



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامدر دیدار خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان - 16 / تیر / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم
خداوند متعال را از حضور در این جلسه - که بی گمان جلسه ی صفا و نور و هدایت است - سپاسگزارم. یاد شهیدان، نام شهیدان، بازماندگان شهیدان، شخصیت دارای ارزش و متعالی جانبازان و آزادگان، در هر نقطه یی که حضور داشته باشند، نور، رحمت و هدایت هست.

این برنامه ی همیشگی سفرهای ماست و من این برنامه را در میان برنامه های سفر فوز و لطف الهی برای خودم به حساب می آورم.

يك نکته را ابتدائاً عرض کنم به همین مناسبت و آن این است که دوستانی که صحبت کردند و اظهار محبت کردند و از بنده تشکر کردند برای آمدن به این جلسه، من می خواهم عرض کنم که من از کسانی که این جلسه را فراهم آورده اند و از یکایک شما برادران و خواهران عزیز که در این جلسه شرکت کردید، متشکرم.

برای من ارتباط با خانواده ی شهدا و جانبازان و آزادگان، مغتنم حقیقی و قلبی است. اگر می توانستم با یکایک جمعی که در این جا حضور دارید، در خانه های شما ملاقات کنم، شك نداشته باشید که این کار را می کردم؛ اما چون آن ممکن نیست، ناگزیر در چنین اجتماعی شما را زیارت کردیم و خدا را شاکریم.

مسأله ی شهید و ایثارگری، کهنه شدنی نیست؛ این، موتور حرکت جامعه است؛ بعضی ها از این نکته غفلت می کنند. این که می بینید بعضی با سخن، قلم و حرکات خود، نگاهی به ایثار و شهادت می اندازند که آن نگاه منفی و ناسپاسانه است، بر اثر غفلت آنهاست؛ نمی فهمند پاسداری از حرمت شهیدان و ایثارگران چقدر برای يك جامعه و ملت و کشور دارای اهمیت است. شما ببینید خون مطهر حسین بن علی (علیه السلام) در کربلا در غربت بر زمین ریخته شد؛ اما بزرگترین مسؤولیتی که بر عهده ی امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) قرار گرفت، از همان لحظه ی اول این بود که این پیام را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن را، به شکلهای گوناگون، منتقل کنند. این حرکت برای احیاء دین حقیقی و دین حسین بن علی و آن هدفی که امام حسین برای آن شهید شد، يك امر ضروری و لازم بود. البته اجر الهی برای امام حسین محفوظ بود؛ می توانستند او را در بوته ی سکوت بگذارند؛ اما چرا امام سجاد (علیه السلام) تا آخر عمر - سی سال بعد از او، امام سجاد زندگی کردند - در هر مناسبتی نام حسین، خون حسین و شهادت اباعبدالله را مطرح کردند؛ آن را به یاد مردم آوردند؟ این تلاش برای چه بود؟ بعضی خیال می کنند این کار برای انتقام گرفتن از بنی امیه بود؛ در حالی که بنی امیه بعدها از بین رفتند. امام رضا (علیه السلام) که بعد از آمدن بنی عباس است، چرا به ریّان بن شبیب دستور می دهد مصیبت نامه ی اباعبدالله را در میان خودتان بخوانید؟ آن وقت که بنی امیه نبودند؛ تارومار شده بودند. این کار برای این است که راه حسین بن علی و خون او علم و پرچم حرکت عظیم امت اسلام به سوی هدفهای اسلامی است؛ این پرچم باید سرپا بماند؛ تا امروز هم بر سر پا مانده و تا امروز هم هدایت کرده است.

مهمترین نقطه ی قوت ما در قیام جمهوری اسلامی، نقطه ی قوت انسانی بود. ما که نه سلاح داشتیم، نه پول داشتیم، نه سازماندهی داشتیم، نه حزب داشتیم و نه پشتیبانی جهانی؛ ما ملت ایران در همه ی کشورهای دنیا يك نقطه را نداشتیم که از قیام، انقلاب و حرکت ما حمایت و دفاع کنند. آنچه این ملت را پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی؛ همان که امیرالمؤمنین در جنگ صفین فرمود: «ألا لایحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر»؛ بصر یعنی بصیرت و آگاهی؛ صبر یعنی پایداری؛ فقط اینها هستند که می توانند این علم را در دست بگیرند و پیش ببرند. قله ی این صبر و بصر شهدای مایند؛ همین آزادگانی هستند که این جا حضور دارند و همین جانبازان عزیزی هستند که این جا نشسته اند. اینها بودند که جان خودشان را در معرض نابودی گذاشتند؛ از



حیات خودشان برای دوام این حرکت و این قیام بزرگ و انسانی مایه گذاشتند؛ اینها اوج ایثار و مظهر بصر و صبرند؛ مظهر آگاهی و ایستادگی و پایداری. آیا کشور ما به آگاهی احتیاج ندارد؟ آیا رسیدن به آرمانهای این ملت و این انقلاب احتیاج به پایداری ندارد؟ آیا در مقابل شیطنتها و دشمنیها و بغضهای غارتگران جهانی این ملت احتیاج ندارد که آن سلاح کارآمد خود را همواره در دست داشته باشد؛ یعنی سلاح اراده، پایداری، ایمان و آگاهی؟ اگر احتیاج دارد - که دارد - پس بایستی این روحیه ی ایمان و آگاهی و پایداری در قالب احترام به نمادهای آن در مردم حفظ شود و نمادها، همین شهیدانند؛ همین جانبازانند؛ همین آزادگانند.

اگر من از شهدا احترام می کنم، اگر اظهار اخلاص به خانواده های شهدا می کنم، این صرف یک احساسات خشک و خالی نیست؛ به معنای این است که این یک راهبرد حقیقی برای ملت ماست؛ یاد شهدا باید گرمی داشته شود. این جوانان عزیز، این خانواده های پُرطاعت، این پدران و مادران، این همسران و فرزندان؛ اینهایی که با صبر و پایداری خودشان توانستند این راه طولانی را از این گردنه های دشوار عبور بدهند، بایستی مورد تجلیل قرار بگیرند، تا برای نسل جوان ما و برای آینده ی کشور ما این پرچم بر سر پا بماند.

دشمن می فهمد چه کار می کند؛ آن کسانی که سعی می کنند نام ایثارگری، نام جهاد، نام شهادت، نام صبر و پایداری را در کشور ما از ذهنها ببرند، اینها به دشمن ملت ایران خدمت می کنند. آن کسانی که یاد شهیدان را گرمی می دارند، اینها هستند که به ملت ایران خدمت می کنند. همین روحیه ی صبر شهیدان عزیز شماست که توانسته است این ملت را پیش ببرد.

شهادت ما مظهر فضائل انسانی بودند. من روزها و شبهای زیادی را با جوانها در دوران جنگ به سر برده ام و از نزدیک شخصیت، هویت و عظمت روحی جوانانی را که بعدها چهره های ماندگار شهید شدند، لمس کرده ام؛ اینها حقیقتاً نمادهای فضیلت بودند.

در اطلاعاتی که به من داده شد، خواندم که در بین همین شهدای همدان شما، یک سردار سپاهی - که دارای شأن و موقعیتی هم بوده است - وجود داشته که وقتی مادرش از او می پرسد تو در سپاه چه کاره ای، جواب می دهد: من در سپاه جارو کشی می کنم. مادرش خیال می کرده واقعاً این جوان در سپاه یک مستخدم معمولی است. حتی وقتی برای این جوان به خواستگاری هم می روند و خانواده ی دختر سؤال می کنند پسر شما چه کاره است، مادرش می گوید در سپاه مستخدم است! بعد در اجتماعی که مراسمی بوده، یک نفر داشته سخنرانی می کرده، این مادر می بیند آن شخص خیلی شبیه پسرش است. می پرسد این شخص کیست. می گویند این فلانی است؛ یکی از سرداران سپاه. آن مادر، آن وقت پسرش را می شناسد!

ما مطالبی که در تاریخ خوانده بودیم، مثل افسانه به گوش ما می آمد؛ اما آنها را در زندگی واقعی خودمان دیدیم. من این را به جوانها می خواهم بگویم؛ به فرزندان شهدا و به خانواده های آنها: آن عظمتی که خانواده های شهدا و پدرها و مادرها و همسرها نشان داده اند، از عظمت خود شهدا کمتر نیست. ما مادران و پدران را دیدیم که اینها با حادثه ی سنگین و کوبنده ی فقدان فرزند خودشان مثل بشارت برخورد کردند؛ چون می دانستند که فرزند آنها در چه راهی حرکت می کند.

من امروز عرض می کنم: پدران شهدای ما! مادران شهدای ما! همسران داغدار آنها! فرزندان آنها که خیلی ها پدران خودشان را ندیدند یا چند صباحی بیشتر ندیدند! جانبازان عزیزی که سلامت خودشان را برای سالهای طولانی از دست داده اند! زحمات شما به توفیق الهی و به حول و قوه ی الهی بر باد نرفت و خدا به تلاش شما برکت داد و کار و کشور و ملت شما را از تنگناهای بزرگی نجات داد.

شما می بینید اشغالگران امریکایی و انگلیسی در عراق چه می کنند؛ نقشه ی استکبار جهانی این بود که اشغالگران بعثی در کشور ما همین جور با مردم ما رفتار کنند؛ نقشه ی امریکا و همدستان مستکبر او در دنیا این بود که ملت



ایران را ذلیل و تحقیر کنند. آنها نمی توانستند تحمل کنند که ملتی که دهها سال آن را تحقیر کرده اند و منابع انسانی و مالی اش را غارت کرده اند، حالا سینه سپر کند؛ بایستد؛ از تهدیدهای آنها نترسد و حق خودش را با نیروی خودش مطالبه کند و به دست بیاورد. امروز می گویند - آن روز هم می گفتند - که نمی خواستند منافع نامشروع آنها به وسیله ی ملت ایران و نظام اسلامی در این منطقه قطع شود؛ می خواستند همچنان این منافع نامشروع را داشته باشند. سگ زنجیری آنها همین صدامی بود که امروز دست و پایش را با زنجیر بسته اند؛ آن روز هم دست و پایش در زنجیر بود. نقشه ی اشغال عراق از سوی امریکا و انگلیس يك نقشه ی منطقه یی است؛ والا اگر فقط مسأله ی عراق بود، اینها با صدام راحت کنار می آمدند و می توانستند با صدام زندگی کنند؛ صدام برای آنها مشکلی نداشت. هر جا سری بلند می کرد، می زدند توی سرش و تمام می شد. اینها به صدام کمک کردند؛ صدام در دست اینها بود. با اشاره ی اینها و با چراغ سبز و کمک اینها می خواستند ملت ایران به وسیله ی صدام تحقیر و ذلیل شود که جوانان، شهدا، جانبازان و خانواده های شهدا نگذاشتند؛ این يك افتخار تمام نشدنی است. این چیزی نیست که زمان بر آن بگذرد و کهنه شود.

من به همه ی گویندگان، نویسندگان و کسانی که تریبونی در اختیار دارند، توصیه می کنم: اگر صلاح این کشور و این ملت را می خواهند، یاد شهیدان، نام شهیدان، خاطره ی شهیدان و بازماندگان آنها و جانبازان را گرامی بدارند. شما فرزندان شهیدان! شما برادران و خواهران شهیدان! افتخار کنید. فرزندان جانبازان! به چنین پدران و به چنین برادرانی افتخار کنید؛ اینها مایه ی افتخار يك ملتند. و البته دشمنان هم بدانند که به توفیق الهی نمی گذاریم و این ملت هم نمی گذارد که نام شهید و نام شهادت در این کشور فراموش شود؛ و به توفیق الهی روزبه روز این نام در کشور ما برجسته تر و ماندگارتر خواهد شد و این افتخار برای کشور ما باقی خواهد ماند.

این را هم بدانید که شهدای ما و ایثارگران ما در دوران دفاع مقدس و قبل از آن و بعد از آن تا امروز و همچنین خانواده هایشان، در طول تاریخ اسلام، بعد از شهدای کربلا، نظیر ندارند؛ اینها حقیقتاً برجستگیهای خودشان را نشان دادند و همه ی چیزهایی را که برای ما مثل افسانه به حساب می آمد - باور می کردیم، اما شبیه افسانه بود - اینها تحقق بخشیدند و به آن واقعیت دادند. راه این عزیزان را نه فقط خانواده های شهدا بلکه همه ی ملت ایران باید ادامه دهند و به رغم عنف دشمن این راه ادامه پیدا خواهد کرد. این راه، راه ارزشهاست؛ راه تعالی ملت و کشور ایران است؛ راه برافراشتگی پرچم اسلام است. این راه را چه دشمنان مستکبر جهانی بپسندند، چه نپسندند؛ چه بخواهند، چه نخواهند، ملت ایران به فضل پروردگار و به توفیق الهی با همان قوت و قدرت ادامه خواهد داد.

پروردگارا! رحمت و فضل خود را بر روح مطهر شهیدان عزیز ما نازل کن. پروردگارا! لطف و فضل و رحمت خود را بر جانبازان عزیز ما، خانواده های شهیدان، همسران جانبازان و فرزندان آنها شامل و عاید بگردان. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار ما را - که سلسله جنبان این راه پرافتخار بوده است - همیشه در سایه ی لطف و فضل خود روزبه روز متعالی تر بگردان. پروردگارا! ما را قدردان ایثارگران، شهیدان و خانواده ی شهیدان قرار بده. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته